

واصل الله تعالى عليه وآله وسلم وحفرت عبد الله بن خنفر طاب ثراه بمشراة هم طينتي او صلى الله عليه وسلم  
 مع عدمهم مرتبة رفقة اخراج ابي النجار ابي لال والدي لي في الفردوس ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم  
 قال طينة المصطفى طينة المصطفى والطاهر من كبت التواريخ ان معتقه صلى الله عليه وآله وسلم قريب  
 من اربعة معتقة فطينة الجميع يكون بعض طينة صلى الله تعالى عليه وآله وسلم قال يا عبيد الله  
 هذا لك مرتبة خلقت من طينتي وابوك يطعم مع الملايكة في السماء ولازم يبايد از وجودهم  
 بجوت هم شركتي در بنوت خياكم واهم موتهم بان راه برده كه سر خطاست بي عطايه هم  
 مذكورين درهم طينتي شريك اند في كمال جوابه عنهم فهو بينهم جوانبا سوال نزد محمد بن  
 شعير مشورت به بالله لو كنت الهام تكن انت ويدا وسط بين في قره  
 از مصنفات تا بين است يا حبابه كرام وجه كور است نقل در دكان وحيث نام مصنف ان  
 جواب از مصنفات عدمه چون جموع است كه مجابى بود در حالتكم ضم خود را اليه يقين كرده  
 اسلامش پوشاننده كه اگر اهل اسلام از حبابه كرام است حرمش نمايند تا با سلمه مقام كبر  
 شان گردد و خود روانه بمقت يوكي گشته حفرت معاذ و سائر كلابه كه عادت در تهك حرمش  
 داشتند اسلامش دور كرده در كرسكي پرشته مبنوط و مربوط ساخته در حفرت كه خارج است  
 انداخته گشته استند هنگاميكه باز آمده ضم را در حال حال كه نيندر دیده خطا با آن صنم  
 گفته و ان تطلبه التفصيل فليرجع الى الامامة اما مراد محقق من از اينچنين قسمه ضم و كلب  
 فرقتارث واستهزائي نقبنديه قدس سرار هم كه هودا به كارايت قيل هذا في نسب الكبر  
 والتفصيل ظاهر اولي الحال كه جواب جميع اسئلة كافي وشافي رسيد مصنفان بنيد كه خود مقصود

صنم وار كلب حرص و اعتراض در حفرت خلافت خراب است يا نقبنديه خذله الله سبحانه  
 و جعل شأنه و حقيقته العلم عند الملك الوهاب واليه المرجع والياب زبنا لا تؤخذنا ان  
 نسينا او اخطانا ولما فرغت من تأليف هذه الرسالة سميتها ربيع الطنون السيمع  
 الائمة العلية انما هي الله تعالى فيوضهم وبركاتهم بجاه سيد البشر المنزه عن زرع البصر  
 عليه الصلوة والسلام ماد ار الدهر آمين ه ه ه تمت بالخبر والسلامة تم تم  
 اين رساله ربيع الطنون بتاريخ محرم ماه جماد الثاني ۱۴۳۱ هـ از دست محمد بن محمد

مقهور وقاه الله من شر الجاهل والخبثي  
 به ترقيم آية الحمد لله على

والصلوة والسلام على رسولنا سيدنا محمد المصطفى وعلى آله واهله اجمعين  
 سر لا يسوم در بعض كيت ديده ميشود كه نزد سلف از من مشابهت تا دليل آن است و بعض  
 خلف رخصت تا دليل داده اند ليس اين رخصت على العموم براهه بر عالم است يا مخصوص بلكه  
 اكا برو مراد از آية والراسخون في العلم كدام اندو كذا غزالي ويا شعر را كه ظاهر اجماع است  
 مانند كلام شايهائي قدس سره تا دليل حقيقي باطني جائز است بانه جواب من تا دليل مشابهت  
 بيني بر وقف وما يعلم تاويله الا الله واستيف والراسخون و رخصت ان از عدم وقف ناشي انهم  
 وقف و عطف والراسخون بر الله است و هر دو قرارة بخت جمع رسيد و رخصت تاويل بر قول باي  
 نزد اين فقير مخصوص بر اسين است كه عبارت از محققان خواص است نه عوام و اگر چنان گفته شود

۴۷  
امروز اقل تلیل اند که خود را محققان نمی شمارند و هر عالمی خود را محقق می نشود و از خواص می  
بلک خود را از همه بهتر میدانند و برای خود را میباید و آرای خود را خطی می بندد و کسی اگر برای هم عالم  
رحمت تاویل علی العموم گفته میشود تا با کسی نماند که باقی بدون اطلاع الهی تاویل جرات نماید که خود  
بدان عاصی گردد من نسر القرآن برای نقد کفر مضمون حدیث شریف است لهذا تاویل مشابهات قرآنی  
و حدیثی را در حق بر او خواص باید داشت نه برای عوام و آنچه مجاهد از حضرت عبد الله بن عباس  
رفی الله تعالی عنها در تفسیر توبه تاویل ما یعلم تاویل الا الله و الراسخون فی العلم می آرد آنست که قال انا  
من یعلم تاویل هم دلالت بر خصوصیت خواص می دارد و اگر خصوصیت بخواص نباشد تخصیص با نایب است  
و حضرت خولعه مجید القصابی قدس سره السامی در مکتوب ۴۵ جلد دوم میفرماید که از کلمات نبوت  
و علماء راسخین را بطریق درایت نیست و عالم راسخ کسیست که او را از تاویل مشابهات کتابت  
نیست و از اسرار حروف مقطعات او را سور قرآنی بکوه است و تاویل مشابهات از اسرار  
غامضه است آفتاب این اسرار پیغمبران اند علیهم الصلوٰة و التسلیمات و این رموزات محاملات  
ایشانست و به بیعت و درایت این بزرگواران هرگز بدولت عظمی مهدی سازند او را حضرت  
مقدمه است لوار قدس سره در فتح الفضل منقول است که فرموده اند الحروف المقطعة لها ذوق  
لا یحصل الا لقلیل من الناس و هم الراسخون ای الجامعون بی صورت الشریفة و استمرار  
حقانقها و این فقیر در جای از حضرت خواجه مجید قدس سره منقول همین مضمون دیده است  
که مجید کرام از تلبه از کلمات نبوت که مقام راسخین است بهره است و در او مجتهدان این نیست  
غالباً مستور میشود و بی در نیوقت با عبارات بیینه در نییاب نشد که از این مویز مقصود

۴۸  
اکتفا نمود و آنچه از غزل و یا شعر نوشته اند محبت کیش در این باب تاویل و توجیه حسن را برای هم عالم  
و فاضل رحمت است فان فی هذا کمال حسن الطول الی القدماء فهو الاحسن من الطول السنی  
و در میفهمون بیشتر مسائل فقیر اند مانند کشف العین عن العین و غیره که در آن رسائل مفصل علماء  
راسخین را هم بیاید بقیان گذشت است باید دانست که در تاویل و توجیه حسن حسین از کلام  
شعراء صالحین و قدما و مجیدین مانند شیخ سهر راسخین از روفا فطوح و صاحب مشنوی که بیست و  
لب و در خسار و زلف دلگه اولب کشته اند خصوصیت بعلماء راسخین نیست هر عالمی که باشد  
اگر تاویل حسن گراید حسن است از آنکه بطن سینه رود و اگر توقف و سکوت گراید از همه حسن  
زیرا که اینچنین کلام قدما از قبیل مشابهات آیات و حدیث است که بطاهر مخالف نماید در آن سکوت  
کردن به المعنی فی بطن الشاعر رفتن از همه اولی و افضل است هر دو صورت تاویل توجیه حسن  
رفتن حسن است در اینجا اگر کسی گوید که چنانچه اینچنین الفاظ را از قبیل مشابهات قرآنی میگویند  
بسی تاویل آنها مخصوص خواص باید و نه بجز عوام جواب گویم از قبیل مشابهات در یک وصفند که  
بطاهر خلاف دارند و بدون تاویل مقصود منجیح نمیکردند آنکه لازم است که از قبیل مشابهات من  
جمع الوجوه باشند تشبیه را مناسب جز باید نه کلی کما یقال فلا اسد فهو سلم فی السجامة لا غیره  
من الاوصاف یس کلام الهی و بنور ایشان دیگر است که از صوت و کلام شعرائی مذکور است  
که اگر علم حال اینچنین کلام تشبیه انجام از ادیان صادر میگردد و الا اطلاق اینچنین او را تشبیه  
مانند لب و زلف و غیرها برای ذات او سبحانه در حالت صحو جائز میشود زیرا که صفات و اسماء الهی  
توقیفی اند پس تاویل آیات و احادیث مشابهات خواص که علماء راسخین اند بجز نباشد

و تاویل کلام سوره ای انجیل مشابهاست را که از جمله حال واقع گشته است هر عالمی که تاویل نماید  
 لشکر طلم ادب شریف را مراعات توهم داشته باشد و او می نماید و جو از را می شاید چنانچه بنا بر  
 دیون حافظه و غیره تا ویلا محامل و توجیهات بسیار نموده عبارات ایشان را از ظاهر معروض داشته اند  
 و از حضرت جاب شاه بهائی قدس سره هم صاحب جذبه و حال و ذوق خود را بیان کلامش گرامی  
 از کلام خولیه حافظه و صاحب شوی بندوق مینت بل بدوق و هم شوق او شان است آنچه از علم  
 از او در اطلاق امر تاویل تاویل حسن بایه است و موجه توجیه احسن شاید خست مگر کلام او  
 که از کمال حال از ایشان صادر گشته و از قبیل مشابهاست در خلاف ظاهر ظاهر گردیده است محبت برای  
 متاخرین بندوق و حال مینت نمی بیند که کلمه انانیت بدعور نفس اشاره فرعون را درین غفلت  
 غرق ساخته و آرزب غلبه حال و ذکاب نفس و اضلال آن با نیزید را موجب تقرب الی الله و بندوی  
 گشته فلای قاسم الواحد علی الثانی کار با کار قیاس از خود بگیرد، گویچه ماند در نوشتن سیر سینه  
 کس اطلاق اینجین الفاظ تشبیه نما امروز ما و بسنگان عقل را بدون حال و ذوق کمال و ذوق  
 کمال هرگز جائز نباشد بل ممنوع و غیر درست و تاویل و توجیه آن جائز زیرا که اطلاق اینجین الفاظ  
 دیگر و تاویل آن کار دیگر است و العلم عند الله سبحانه سوآل اطفال مشرکان کفار را چه حکم داده  
 خواهد حضرت خولیه مجدد الفیانی قدس سره در مکتوب حکم برای ایشان چنان فرموده است که بعد الحشر  
 و الحساب باز او شان را فنا کنیم هر چه اوانیم که چه طور است چراغ حضرت خولیه قدس سره در مکتوب  
 بود تحقیق اینجکشف جمیع خویش و چه مریخ پیش بیان آورده است و علی را درین مسئله اصلا  
 اختلاف بسیار است و حضرت امام اعظم کوفی قدس سره را درین مسئله توقف است و در سخن کشفی  
 اکابر اولیا و انکار آوردن موجب سران است انکار کشفی جایی لازم است که مخالفی مریخ شریف است

داشته باشد که کشف ناقص شریف نمیکرد و درین مسئله چون از علماء کرام شکر الله بهم  
 اصلا بسیار مرویت پس اینقول مدوم کردن اولاد صنار کفار رابعه الحشر و الحنا و الغراب  
 که کشف حضرت خواجه قدس سره مریخ است هم یکقول از اقوال ششم بل عشره است یکم گویا  
 عین شریف است و سراسر ملت چرا که جایکه کشف کاملی از کل اهل ولایت و تقبیل آثار  
 نبوت مریخ قولی از اقوال مختلفه شریف غرا و ملت برضا باشد آنرا عین است و بان سراسر  
 صداقت باید شناخت و شاید داشت پس اینقول سراسر صدق است و برابر حق ولی انکار محض  
 سراسر اقوال هم نباید لاحمال الصدق بیهم ایضا و اقوال مختلفه در هر جایکه واقع شوند و باعتبار  
 کشفی و یا دلیل فقهی ترجیح بقولی داده آید تا هم قول مریخ را انکار محض لاحمال من الاحتمال  
 نمی بایه نمود و درین مسئله هم ما انکار همه اقوال نمی نمایم مگر نباید کشفی حضرت خولیه قدس سره  
 راجح این قول میباشم در کتاب طوالم الانوار شرح در المنار للشیخ محمد عابدینی از فتح الباری شرح  
 بنابر منقول می آرد ان العلماء قد اختلفوا تدمیا و حدیثا فی هذه المسئلة علی اقوال اخرها  
 اللهم فی مشیتة الله عزوجل و ثابتها اللهم تبع لآبائکم فاولاد المسلمین فی الجنة و اولاد  
 فی النار و ثابتها اللهم کیون فی بزخ بین الناس لا اللهم لم یعملوا احسانات یدخلون بها  
 ولا سیئات یدخلون بها الناس و رابعها اللهم خدم اهل الجنة و فاسسها اللهم یصرون  
 ترابا و سادسها اللهم فی الناس و سابعا اللهم یمتحنون فی الآخرة بان ترغ اللهم  
 منه و خلصا کانت علیه برءا و سلاما و من لی عذاب و ثامنها اللهم فی الجنة و ناسها  
 الوقف و عاشرها الامساک و قال الحافظ و فی الفرق بینهما دمة اهل الجنة و الله تعالی اعلم

و علم احکم واسلم ۵۰  
و صلی الله تعالی علی سیدنا محمد و علی آله و احواله و بارک و سلم ۴۴۴

تاریخ التذقیم ۲۵ ماه جمادی الثانی ۱۹ سنه

نسبت سلسله قادریه حضرت خولعه مجد در اجازت طریقه قادریه حضرت خولعه از حضرت جناب شاه سکنه در سلسله  
از سید شاه کاک و ایسان از سید فضیل و ایسان از سید گداجن و ایسان از سید شمس الدین و ایسان  
از سید گداجن و ایسان از سید شمس الدین صوالی و ایسان از سید عقیل و ایسان از سید بهاء الدین و ایسان  
از سید عبد الوهاب و ایسان از سید شرف الدین قبال و ایسان از سید السادات سید عبد الرزاق و ایسان  
از سید السادات غوث اعظم غوث الثقلین شیخ عبدالقادر جیلانی و ایسان از سید خود سید ابی صالح  
و ایسان از سید موسی خلیلی دوست خدا و ایسان از سید عبد الله و ایسان از سید کبیر زاهد و ایسان  
از سید موسی مورث و ایسان از سید موسی جون و ایسان از سید عبد الله محض و ایسان از سید  
السادات حسن منیع و ایسان از امام المؤمنین امام حسن و ایسان از امام العدی علی مرتضی و سید  
حضرت ایسان از امام خود حضرت فاطمه زهرا و حضرت ایسان از حضرت محمد مصطفی صلی الله تعالی علیه و آله  
و وجه اجیدی ۴ نسبت سلسله شریفه حضرت خولعه مجد در اجازت این طریقه از والد خود حضرت شیخ  
عبد الاحد سید و ایسان از شیخ رکن الدین و ایسان از شیخ عبد القدوس گنگوچی و حضرت شیخ عبد القدوس  
دو نسبت سلسله دیگر نسبت طریقه نظامیه شریفه یک نسبت طریقه هابریه شریفه آن نسبت نظامیه حضرت ایسان  
از شیخ درویش بن قاسم و ایسان از سید بهمن بهرانی و ایسان از سید جلال الدین مخدوم جهانیان و ایسان  
از خواجه فیض الدین و ایسان از شیخ نظام الدین محمد بن احمد بن ایسان از خولعه شکر گنج و آن نسبت  
صاحب حضرت ایسان از شیخ محمد عارف سیده و ایسان از شیخ احمد عارف و ایسان از شیخ عبد الرحمن

۹۱  
رضوی و ایسان از شیخ جلال الدین بانی سنی و ایسان از شیخ شمس الدین و ایسان از شیخ علاء الدین  
احمد صاحب ایسان از شیخ فرید الدین شکر گنج و ایسان از خولعه قطب الدین نجیب و ایسان از خواجه  
سین الدین اجیر و ایسان از شیخ عثمان ماری و ایسان از شیخ حاجی شریف و ایسان از شیخ نور محمد  
و ایسان از شیخ ابو محمد و ایسان از شیخ ابوالاحد و ایسان از شیخ ابی اسحق و ایسان از شیخ عبد المنور  
و ایسان از شیخ هبیره بهر و ایسان از شیخ حذیفه و ایسان از شیخ ابراهیم ادم و ایسان از شیخ  
فضیل عیاض و ایسان از شیخ عبد الواحد و ایسان از حضرت حسن بهر و ایسان از حضرت ابی المؤمنین  
علی کریم الله تعالی و وجه و قد تم سرهم و ایسان از سید المرسلین خاتم النبیین صلی الله تعالی علیه و آله و وجه و سلم  
نسبت طریقه سهروردیه حضرت مخدوم جلال جهانیا که اجازت این طریقه از پدر خود سید جلال الدین نجاری  
و وی از شاه رکن الدین شاه رکن عالم و وی از پدر خود صدر الدین و وی از پدر خود بهاء الدین ذکر ملتانی  
و وی از شیخ شهاب الدین سهروردی و وی از شیخ فیاض الدین نجیب و وی از شیخ ابو محمد معروف بهوی و وی  
از شیخ دینور و وی از شیخ مشاد دینور و وی از جنید بغدادی و وی از سر سقراط و وی از کبیر کرمی  
و معروف کرمی را در نقیصه او نسبت یک با امام موسی علی رضا خلیفه کشته و نامی از داد طائی و وی از  
جیب عجیب و وی از حسن بهر و وی از شاه نجف رفیع الدین و وی از حضرت رسالت پناه صلی الله تعالی

علیه و علی آله و وجه و بارک و سلم  
تم تم تم